

بررسی سبک فرزندپروری سهل گیرانه والدین با اختلالات رفتاری در کودکان

Investigation Permissive parenting styles parents with behavioral disorders in children with LD

Marziyeh Azizi ,

Master of Clinical Psychology.

Islamic Azad

University ,Savah Branch. Iran

Dr Nader Monirpour *

Department of clinical

psychology, Qom branch,

Islamic Azad

University,Qom, Iran

مرضیه عزیزی

کارشناس ارشد روان شناسی بالینی. دانشگاه آزاد

اسلامی ساوه.

دکتر نادر منیرپور (نویسنده مسئول)

گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی قم

Abstract

This study aimed to assess the role of parenting styles and parents' personality factors in predicting LD in children with behavioral disorder. This research method was a descriptive study conducted using correlation and prediction model and statistical population formed by children with learning disorders referred to the education and rehabilitation centers of special learning problems in Tehran Province in the academic year 1393-94. Purposive sampling, 130 subjects were selected. Data collection included Baumrind's parenting styles questionnaire, the NEO-PI-R and Child Behavior Checklist for ages 6-18 Achenbach system of empirically based assessment (CBCL). Data using Pearson's Correlation Coefficient and multiple regression analysis was performed with SPSS software. The results showed that only the

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی نقش سبک‌های فرزندپروری و عوامل شخصیتی والدین در پیش‌بینی اختلالات رفتاری کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری انجام شد. پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی بود که به روش همبستگی از نوع مدل پیش‌بینی انجام گرفت و جامعه آماری آن را کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری مراجعه‌کننده به مراکز آموزشی و توانبخشی مشکلات ویژه یادگیری شهرستانهای استان تهران در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ تشکیل دادند. با روش نمونه‌گیری هدفمند و داوطلبانه، ۱۳۰ نفر به عنوان نمونه وارد شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند، پرسشنامه شخصیتی نئو و سیاهه رفتاری کودک برای سنین ۶-۱۸ نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد بین تنها سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه

permissive parenting style was a significant predictor for LD children's externalizing problems. According to the results obtained in this study, Permissive parenting style significant predictors of behavioral disorders in children with learning disorders.

Keywords: learning disorders children behavioural disorders, parenting styles, parental personality.

همبستگی منفی و معناداری با مشکلات برون‌سازی شده کودکان LD دارد. در این پژوهش با توجه به نتایج به دست آمده، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای اختلالات رفتاری در کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری هستند.

کلید واژه ها : اختلالات رفتاری کودکان با اختلال یادگیری خاص، سبک‌های فرزندپروری، شخصیت والدین.

مقدمه

اختلال یادگیری خاص^۱، یکی از اختلالات شایع کودکان است. این اختلال با شیوع ۳ تا ۱۴ درصدی در سطح جهان (انجمن روان‌پزشکی آمریکا^۲، ۲۰۱۳؛ جاکوبسن و همکاران^۳، ۲۰۰۵ و داوکر^۴، ۲۰۰۵) و ۸/۱۸ درصدی در ایران (بهراد، ۱۳۸۴)، بیشترین نرخ اختلالات کودکان با نیازهای ویژه را به خود اختصاص می‌دهد (اصغری‌نکاح، ۱۳۹۱).

۳۰ تا ۵۰ درصد این کودکان به اختلالات رفتاری به یکی از سه شکل مشکلات کلی رفتاری، اختلالات رفتاری برون‌سازی شده^۵ مانند نقص توجه/ بیش‌فعالی (ADHD) و اختلالات درون‌سازی شده^۶ مانند اضطراب مبتلا هستند (هالاها و همکاران، ۲۰۰۵ به نقل از علیزاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ آوریچ^۷ و همکاران، ۲۰۰۸؛ شارما^۸، ۲۰۰۴ و گرم، ۲۰۰۱ به نقل از باعزت و راحت، ۱۳۸۶). پیامدها و عوارض اختلالات رفتاری همبود با اختلالات یادگیری در تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی کودک، اطرافیان و اجتماعی که وی در آن قرار دارد، معضلات بازدارنده بسیاری ایجاد می‌نماید و احتمال ابتلا به بیماری‌های روانی و رفتاری در بزرگسالی را افزایش می‌دهد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳؛ پاندینا^۹ و همکاران، ۲۰۰۷؛

-
- 1- Specific Learning Disability
 - 2 -American Psychiatric Association
 - 3- Jakobsen
 - 4 - Dowker
 - 5 -Externalizing
 - 6 -Internalizing
 - 7 -Auerbach
 - 8 -Sharma
 - 9- Pandina

میلر^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). با وجود عوارض نگران کننده اختلالات رفتاری توام با اختلالات یادگیری که همه جنبه های زندگی فرد را از کودکی تا بزرگسالی در بر می گیرد، در خصوص عوامل مختلفی که می تواند در رشد، گسترش و تداوم مشکلات رفتاری این کودکان اثرگذار باشد به خصوص عوامل خانوادگی و والدینی اطلاعات بسیار اندکی وجود دارد (اسلامیه، ۱۳۸۷).

شیخی و همکاران (۱۳۹۴) مطابق با نتایج مطالعات پیرامون سبک های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان نشان دادند که سبک فرزندپروری مقتدرانه با مشکلات درون سازی شده و برون سازی شده ارتباط آماری معنادار اما معکوسی دارد و سبک فرزندپروری سهل گیرانه با مشکلات درون سازی شده ارتباط آماری معنادار و مثبتی دارد و این سبک با افزایش مشکلات درون سازی شده در کودکان همراه است و با هیچ کدام از مقیاس های مشکلات رفتاری برون سازی شده رابطه معنادار آماری ندارد.

همتی علمدارلو و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی با هدف بررسی نقش سبک فرزندپروری مادران در پیش بینی مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی با کم توانی ذهنی انجام دادند، نتایج تحلیل همبستگی نشان داد سبک فرزندپروری مقتدرانه مادران با مشکلات رفتاری ترس، رفتار اجتماعی و پرخاشگری کودکان آن ها همبستگی منفی و معنادار دارد و این سبک پیش بینی کننده منفی و معنادار مشکلات رفتاری کودکان است. همچنین آن ها دریافتند سبک های فرزندپروری سهل گیرانه و مستبدانه با مشکلات رفتاری ترس، رفتار اجتماعی و پرخاشگری کودکان آن ها همبستگی مثبت و معنادار دارد و این دو سبک پیش بینی کننده مثبت و معنادار مشکلات رفتاری درون سازی و برون سازی شده کودکان است.

رنکین و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود نشان دادند سبک سهل گیرانه با مشکلات درون سازی شده کودکان ارتباط معنادار و مثبت دارد و والدین کودکان با مشکلات درون سازی شده نمره بالاتری در سبک فرزندپروری سهل گیرانه به دست آوردند. در نهایت نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش های رحمانی و محب (۱۳۹۰)، بیرامی (۱۳۸۸)، زهراکار (۱۳۸۷)، اوندیره و گلای (۲۰۰۹) نیز همخوان نیست.

طبق نتایج پژوهش رحمانی و محب (۱۳۹۰) مشاهده شد بین دو گروه کودکان عادی و مضطرب از لحاظ سبک‌های فرزندپروری تفاوت معناداری وجود دارد و مادرانی که دارای سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه هستند به احتمال بیشتری دارای کودکان مبتلا به اضطراب فراگیر هستند و نتایج پژوهش تاکید بسیار زیادی بر نقش فوق‌العاده موثر و غیرقابل انکار خانواده به خصوص سبک‌های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده بر سلامت روانی کودکان دارد.

نتایج پژوهش بیرامی (۱۳۸۸) با عنوان تاثیر مهارتهای فرزندپروری به مادران پسران دبستانی مبتلا به اختلالات برون‌سازي شده بر سلامت روانی و شیوه‌های تربیتی آن‌ها، حاکی از آن است که ناتوانی در سبک‌های فرزندپروری و مدیریت رفتار کودک را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در بروز اختلال‌های رفتاری، به شمار آورد. اختلالات برون‌سازي شده مانند نافرمانی در کودکان نتیجه شکست در اعمال قوانین والدینی است که معمولاً دارای سه ویژگی قوانین بی‌ثبات، نظارت کم و مهارت ضعیف حل مساله است و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه دربروز اختلالات برون‌سازي کودکان می‌توانند به عنوان عوامل خطر ساز و پیش‌بینی‌کننده محسوب شوند.

زهراکار (۱۳۸۷) در بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و سلامت روانی نوجوانان شهر اسلام‌شهر مشخص کرد هر چه میزان دموکراتیک بودن والدین و استفاده از شیوه‌های مقتدرانه فرزندپروری بیشتر باشد، علائم جسمانی، اضطراب و افسردگی فرزندان آن‌ها کاهش می‌یابد و در این شرایط فرزندان بهنجاری بیشتری از خود نشان می‌دهند و در مقابل هر چه میزان مستبد بودن و سهل‌گیری والدین بیشتر باشد علائم جسمانی، اضطراب و افسردگی فرزندان آن‌ها افزایش می‌یابد و در این شرایط فرزندان نابهنجاری بیشتری از خود نشان می‌دهند.

در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، والدین مهرورز و پذیرا هستند، ولی متوقع نیستند، کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند و به آن‌ها اجازه تصمیم‌گیری در هر سنی که باشند می‌دهند، حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند (دیان، ۲۰۰۵).

این سبک، با کمبود مهار والدینی و اعمال قدرت والدین روی رفتار کودک و گرایش به تن‌دادن به خواست‌های کودک مشخص می‌شود به طوری که به فرزندانشان اجازه می‌دهند

رفتارهای خود را تنظیم نموده و برای خودشان تصمیم بگیرند، اما به ندرت قواعدی برای نظارت بر رفتارهای کودکانشان وضع می‌کنند (رینالدی و هاو، ۲۰۱۲).

با توجه به آنچه گفته شد آشکار است که شناسایی عوامل پیش‌بین اختلالات رفتاری در کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری و مداخله زودهنگام مانع از حذف این گروه از گردونه عمومی و صدمه به رشد اجتماعی و فرهنگی کشور می‌شود (کاراندا، ۲۰۰۵). پژوهش حاضر در نظر دارد تا نقش عوامل والدینی را در پیش‌بینی اختلالات رفتاری کودکان مبتلا به اختلال یادگیری خاص مورد بررسی قرار دهد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی است که به روش همبستگی از نوع مدل پیش‌بینی انجام شد.

جامعه‌آماري پژوهش، نمونه و روش نمونه‌گیری:

جامعه آماری پژوهش شامل والدین و دانش‌آموزان دختر و پسر ابتدایی با دامنه‌ی سنی ۶ تا ۱۲ سال بودند که با مراجعه به مراکز آموزش و توانبخشی مشکلات ویژه یادگیری (اختلالات یادگیری) در سطح شهرستانهای استان تهران، پس از ارزیابی‌های تخصصی و بالینی که در این مراکز انجام می‌گیرد، مبتلا به اختلالات یادگیری شناخته شدند. برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند و داوطلبانه استفاده شد.

نمونه مورد نظر شامل ۱۳۰^۳ نفر دانش‌آموز شاغل به تحصیل در مدارس ابتدایی شهری شهرستانهای استان تهران با دامنه سنی ۶ تا ۱۲ سال بودند. این دانش‌آموزان با مراجعه به مراکز آموزشی و توانبخشی مشکلات ویژه یادگیری سطح استان، مبتلا به اختلالات یادگیری تشخیص داده شده بودند و ۶۵ نفر آن‌ها را پسران و ۶۵ نفر آن‌ها را دختران تشکیل می‌دادند.

● ملاک‌های ورود

- داشتن ملاک‌های اختلالات یادگیری در DSM.

1 -Rinaldi & Howe

2 -Karand

3 - نمونه آماری شامل ۱۵۰ نفر دانش‌آموز با تشخیص اختلالات یادگیری بود. پس از اجرا و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، ۲۰ پرسشنامه به دلیل مخدوش بودن و عدم اعتبار کافی از مجموع کل خارج و تعداد ۱۳۰ پرسشنامه مور ارزیابی قرار گرفت.

- دارا بودن ضریب هوشی متوسط.
- گذراندن مراحل ارزیابی تشخیصی و شناسایی تخصصی در مراکز با تشخیص‌گذاری اختلال یادگیری.
- دارا بودن محدوده سنی بین ۶ تا ۱۲ سال.
- زندگی کردن با مادر زیستی خود.
- حضور پدر و مادر در خانواده.

ابزارهای سنجش

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند. این پرسشنامه که در سال ۱۹۷۲ توسط بامریند طراحی شد، ابتدا به صورت ۴۸ سوالی تهیه شده بود ولی در نهایت ۳۰ سوال در مقیاس نهایی جای گرفت. این پرسشنامه شامل ۳۰ جمله است که ۱۰ جمله آن به شیوه سهل‌گیرانه، ۱۰ جمله به شیوه مستبدانه و ۱۰ جمله دیگر به شیوه مقتدرانه مربوط می‌شود. الگوی پاسخگویی به سؤال‌ها از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت تبعیت می‌کند که به صورت کاملاً موافقم، تقریباً موافقم، مخالفم و کاملاً مخالفم است. علاوه بر الگوی پاسخ‌دهی، نمره گذاری سؤالات پرسشنامه بامریند نیز بر مبنای مقیاس لیکرت صورت می‌گیرد که با جمع نمرات سؤالات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا بدست می‌آید (کراسکیان، ۱۳۹۲).

اعتبار و پایایی پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند: پایایی این پرسشنامه در پژوهش‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفته و اعتبار و روایی آن در حد مطلوبی گزارش شده است. بوری (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران، ۰/۸۶ برای شیوه‌ی استبدادی، ۰/۷۸ برای شیوه‌ی مقتدرانه و ۰/۸۱ برای شیوه‌ی سهل‌گیر و در گروه پدران برای شیوه‌ی استبدادی ۰/۸۵، برای شیوه‌ی مقتدرانه ۰/۹۲ و برای شیوه‌ی سهل‌گیر ۰/۷۷ بدست آمده است. وی برای بررسی بیشتر میزان اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار افتراقی (واگرا) استفاده کرد. او مشاهده نمود که مستبد بودن مادر رابطه‌ی معکوس با سهل‌گیری (۰/۳۸-) و اقتدار منطقی مادر (۰/۴۸-) دارد. هم چنین مستبد بودن پدر رابطه‌ی معکوس با سهل‌گیری (۰/۵۰-) و اقتدار منطقی وی (۰/۵۲-) دارد (کراسکیان، ۱۳۹۲).

در انستیتو روان‌پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن صورت داد. سپس از تعداد ۱۰ نفر صاحب نظر در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی (۲ نفر دکترای روان‌شناسی، یک نفر روان‌پزشک، ۲ نفر کارشناسی ارشد روان‌شناسی، ۲ نفر دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۳ نفر کارشناس روان‌شناسی) خواسته شد تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص نمایند و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را نیز بیان نموده و جمله پیشنهادی خود را اضافه نمایند نتایج بدست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی (اعتبار) صوری است. اسفندیاری پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را برای سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای استبداد ۰/۷۷، و اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است (همان منبع). بی‌طرف، شعیری و حکیم جوادی (۱۳۸۹)، در پژوهش خود در یک نمونه‌ی ۳۹۶ نفری از دانشجویان دانشگاه گیلان، ضرایب همسانی درونی پرسشنامه را برای شیوه‌های سهل-گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۰، و ۰/۷۹ گزارش کرده‌اند (همان منبع). همچنین در پژوهش دانش، رضابخش، بهمنی و سلیمی‌نیا (۱۳۹۰) که بر روی ۳۴۵ نفر از دانشجویان زن دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج اجرا شده ضریب آلفای کرونباخ برای سبک آسان‌گیرانه ۰/۷۶، برای سبک مستبدانه ۰/۷۹ و برای سبک مقتدرانه ۰/۸۴ به دست آمده است (همان منبع).

پرسشنامه شخصیتی نئو (NEO-PI-R)^۱. پرسشنامه NEO یکی از جدیدترین پرسشنامه‌های مربوط به ارزیابی ساخت شخصیت بر اساس دیدگاه تحلیل عاملی است. این آزمون به لحاظ انعکاس ۵ عامل اصلی، امروزه به عنوان یک مدل فراگیر بر اساس تحلیل عوامل محسوب می‌شود و گستردگی کاربرد آن در ارزیابی شخصیت افراد سالم و نیز در امور بالینی می‌تواند یکی از مناسب‌ترین ابزار ارزیابی شخصیت باشد. این آزمون به دلیل بررسی‌های گوناگون که در گروه‌های سنی و در فرهنگ‌های مختلف روی آن صورت گرفته است کاربردی جهانی دارد و یکی از جامع‌ترین آزمون‌ها در زمینه ارزیابی شخصیت است و سودمندی آن هم در جریان‌ات بالینی و هم در جریان‌ات تحقیقی ارزیابی شده است. پرسشنامه شخصیتی NEO-PI-R جانشین تست NEO است که در سال ۱۹۸۵ توسط مک کری و کاستا تهیه شده بود. این پرسشنامه ۵ عامل اصلی شخصیت و ۶ خصوصیت در هر عامل یا به عبارتی

۳۰ خصوصیت را اندازه می‌گیرد. و بر این اساس ارزیابی جامعی از شخصیت را ارائه می‌دهد. این پرسشنامه دارای دو فرم یکی (S) برای گزارش های شخصی است و شامل ۲۴۰ سوال پنج درجه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف است که توسط خود آزمودنی درجه‌بندی می‌شود و متناسب مردان و زنان در تمام سنین است. و دیگری فرم (R) یا تجدید نظر شده نام دارد و بر اساس درجه بندی‌های مشاهده‌گر است. این فرم نیز دارای همان ۲۴۰ سوال بوده با این تفاوت که با ضمیر سوم شخص شروع می‌شود. فرم (R) هم می‌تواند به طور مستقل برای ارزیابی شخصیت به کار رود و هم به عنوان مکملی برای گزارش‌های شخصی فرم (S) و یا روایی آن مورد استفاده قرار گیرد. نسخه تجدید نظر شده پرسشنامه شخصیتی NEO بر مبنای راهبرد آزمون‌سازی خردگرا- تجربی تهیه شده که بر اعتبار سازه تاکید دارد. هر یک از صفات شخصیتی لحاظ شده، شناسایی، تعریف و سپس به گونه‌ای تحلیل شدند که ماده‌هایی فراهم آیند که جنبه‌های مختلف هر صفت را اندازه بگیرند. انتخاب نهایی مواد براساس عملکرد تجربی صورت گرفت. یعنی پایاترین و معتبرترین ماده‌ها نگه داشته شوند. در ضمن جهت اطمینان یافتن از اینکه ماده‌ها مبتنی بر عوامل مربوطه هستند، تحلیل‌های عاملی انجام شد (گروسی فرشی، ۱۳۸۰).

با توجه به پیچیدگی و طولانی بودن NEO-PI-R، وجود ابعاد جزئی و متعدد مربوط به هریک از صفات مربوط به پنج عامل بزرگ شخصیت و ضرورت سرند سریع در مواقع لازم و مهم‌تر از همه عدم تمایل آزمودنی‌ها به ابزاری طولانی در موقعیت‌های بالینی و پژوهشی، نسخه کوتاهی از NEO-PI-R، با عنوان پرسشنامه پنج عاملی NEO-FFI توسط مک‌کری و کاستا در سال ۱۹۸۶ طراحی شد. فرم کوتاه به نام (NEO-FFI) یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت به کار می‌رود که اگر وقت اجرای تست خیلی محدود باشد و اطلاعات کلی از شخصیت کافی باشد از این پرسشنامه استفاده می‌شود. از سوی دیگر اجرای این آزمون از نظر هزینه و زمان مقرون به صرفه است مقیاس‌های آن از اعتبار بالایی برخوردارند و همبستگی بین مقیاس‌ها زیاد است و از همه مهمتر این آزمون بر خلاف سایر آزمون‌های شخصیتی، انتقادات کمتری بر آن وارد شده است (همان منبع). در مطالعه حاضر از فرم ۶۰ سؤالی این پرسشنامه استفاده شد (همان منبع).

اعتبار پرسشنامه شخصیتی نئو. در حال حاضر آزمون ۵ عاملی NEO کاربرد جهانی دارد و به منظور تحقیق به زبان‌های چکوسلواکی، عربی، هلندی، فرانسوی، آلمانی، ژاپنی، نروژی، لهستانی و سوئدی ترجمه شده است و ترجمه فارسی این آزمون در ایران توسط دکتر مهریار و دکتر قاضی طباطبایی در سال ۱۳۸۰ صورت گرفته است. پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI توسط مک کری و کاستا روی ۲۰۸ نفر از دانشجویان آمریکایی به فاصله سه ماه اجرا گردید که ضرایب اعتبار آن بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ به دست آمده است. اعتبار درازمدت این پرسشنامه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. یک مطالعه طولانی ۶ ساله روی مقیاس‌های نوروگرایی، برون‌گرایی و باز بودن نسبت به تجربه، ضریب‌های اعتبار ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ را در گزارش‌های شخصی و نیز در گزارش‌های زوج‌ها نشان داده است. ضریب اعتبار دو عامل سازگاری و باوجدانی به فاصله دو سال به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۳ بوده است (مک کری و کاستا، ۱۹۸۳). نقل از گروهی فرشی، ۱۳۸۰. در هنجاریابی آزمون NEO که توسط گروهی فرشی (۱۳۸۰) روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر صورت گرفت ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی را بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش کرده است. ضرایب آلفای کرونباخ در هر یک از عوامل اصلی نوروگرایی، برون‌گرایی، باز بودن، سازگاری و باوجدانی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد. جهت بررسی اعتبار محتوایی این آزمون از همبستگی بین دو فرم گزارش شخصی (S) و فرم ارزیابی مشاهده‌گر (R)، استفاده شد، که حداکثر همبستگی به میزان ۰/۶۶ در عامل برون‌گرایی و حداقل آن به میزان ۰/۴۵ در عامل سازگاری بود. (گروهی فرشی، ۱۳۸۰).

در تحقیق ملازاده (۱۳۸۱) ضرایب اعتبار آزمون-آزمون مجدد در فاصله ۳۷ روز در مورد ۷۶ نفر از فرزندان شاهد به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۸، ۰/۷۳، ۰/۷۹ و ۰/۸۵ برای روان‌آزرده‌گرایی، برون‌گرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن گزارش شده است. آلفای کرونباخ نیز برای روان‌آزرده‌گرایی ۰/۸۶، برون‌گرایی ۰/۸۳، گشودگی ۰/۷۴، موافق بودن ۰/۷۶، باوجدان بودن ۰/۸۷ و آلفای کل برابر ۰/۸۳ به دست آمده است (ملازاده، ۱۳۸۱).

در پژوهش آتش‌روز (۱۳۸۶) با استفاده از روش همسانی درونی، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از ۵ صفت نوروگرایی، برون‌گرایی، گشودگی، سازگاری و وجدانی بودن به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۵۵، ۰/۲۷، ۰/۳۸ و ۰/۷۷ به دست آمد (آتش‌روز، ۱۳۸۶).

در زمینه روایی همزمان این پرسشنامه و پرسشنامه نشانگر ریخت مایرز بریکز، پرسشنامه چندجنبه‌ای شخصیتی میته سوتا، پرسشنامه تجدیدنظر شده کالیفرنیا، بررسی مزاج گیلفورد و زاگرن رابطه بالایی گزارش شده است. ضرایب روایی NEO-FFI روان‌رنجورخویی، برونگرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری، وجدان‌گرایی را جان و سریواستار (۱۹۹۹) در حجم نمونه ۶۶۲ نفر به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۳، ۰/۸۵، ۰/۹۷ و ۰/۹۶، مک کرا و کاستا (۲۰۰۴) در حجم نمونه ۲۱۴ نفر به ترتیب ۰/۴۴، ۰/۵۹، ۰/۴۵، ۰/۵۷ و ۰/۴۹، در حجم نمونه ۲۴۰ نفر به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۴، ۰/۷۱ و ۰/۷۷ گزارش کرده‌اند (انیسی، مجدیان، جوشن‌لو و گوهری کامل، ۱۳۹۰).

سیاهه رفتاری کودک برای سنین ۶-۱۸ نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ^۱ (CBCL). ابزار این پژوهش برای گردآوری اطلاعات در خصوص اختلالات رفتاری درونی-سازی و برونی‌سازی فرم سیاهه رفتاری کودک (CBCL) نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ (ASEBA) است. فرم‌های سن مدرسه این نظام سنجش، در سال ۱۹۷۸ توسط توماس آخنباخ تهیه شده‌اند و از آن تاکنون چندین بار مورد تجدیدنظر قرار گرفته‌اند. این نظام سنجشی مشتمل بر سه فرم است: سیاهه رفتاری کودک (CBCL)، فرم گزارش معلم (TRE) و پرسشنامه خودسنجی نوجوان (YSR). در مطالعه حاضر نتایج حاصل از اجرای سیاهه رفتاری کودک (CBCL) گزارش داده شد (مینایی، ۱۳۸۴).

روایی و پایایی مقیاس CBCL براساس اطلاعات ارائه شده، در زمینه روایی و پایایی فرم‌های مختلف سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ (ASEBA) این نتیجه حاصل شده است که این فرم‌ها، ابزاری روا و پایا در سنجش مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان و نوجوانان می‌باشند. آخنباخ (۱۹۹۲) ضریب پایایی این آزمون ۰/۷۵ گزارش داده، لارسون^۲ و فریسک^۳ (۱۹۹۸)، نوتسون مدین^۴، ساندلین^۵ و تروستون ون وردر^۶ (۲۰۰۰)، CBCL را برای ارزیابی

1 -Child Behavior Checklist for ages 6-18 Achenbach system of empirically based assessment

2 -Larsson

3 -Frisk

4 -Knutsson-Medin

5 -Sundelin

6 -Trostvon von Werder

مهارت‌ها و مشکلات رفتاری کودک از نقطه نظر پدر و مادر در نمونه ی ۱۳۰۸ نفری دختر و پسر ۶ تا ۱۶ ساله در کشور سوئد به کار بردند، پایایی ۰/۹۴ - ۰/۳۴ را گزارش کردند. اسلوبردسکایا^۱ (۱۹۹۹) CBCL را برای ارزیابی مهارت‌ها و مشکلات رفتاری ۲۵۶ نفر دختر و پسر ۱۳ تا ۱۷ ساله کودکان روسیه به کار بردند و پایایی ۰/۹۴ - ۰/۳۰ را گزارش کردند. ملاک‌های DSM، پژوهش‌های بین فرهنگی، یافته‌های ژنتیک، زیست شیمیایی و نتایج بلند مدت، اعتبار سازه این نظام را تأیید کرده‌اند (آخنباخ و رسکولا، ۲۰۰۱). برک^۲، کلاسرا^۳، استمز^۴، اسلات^۵ و دورلیجرز^۶ (۲۰۰۷) با کاربرد CBCL در هلند، برای ارزیابی مشکلات رفتاری ۳۴۰ دختر و پسر ۱۱ تا ۱۵ ساله، پایایی و اعتبار بالایی گزارش کردند (مینایی، ۱۳۸۴).

هنجاریایی درونی این نظام سنجش در تهران، پس از انطباق‌های لازم به لحاظ زبانی، فرهنگی و اجتماعی روی نمونه ایرانی توسط مینایی (۱۳۸۴) انجام شده است. نتایج نشان داد فرم‌های مختلف CBCL، YSR، TRF از همسانی بالایی برخوردارند، ضرایب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های نشانگانی (سندرمی) مبتنی بر DSM در سطح مطلوب و رضایت بخشی قرار دارد و دامنه‌ی آن از ۰/۶۴ تا ۰/۸۱ برای CBCL است، همچنین ضرایب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های نشانگانی (سندرمی) مبتنی بر تجربه نیز در سطح مطلوب و رضایت بخشی قرار دارد و دامنه‌ی آن از ۰/۶۷ تا ۰/۸۵ برای CBCL است. پایایی آزمون-آزمون مجدد هر فرم سیاهه رفتاری کودک با فاصله زمانی ۵ تا ۸ هفته توسط ۱۲۴ نفر از والدین مجدداً تکمیل شد و داده‌ها با استفاده از ضرایب همبستگی گشتاوری پیرسون و آزمون T برای نمونه‌های وابسته مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که کلیه‌ی ضرایب همبستگی در سطح $P < 0.05$ از لحاظ آماری معنادار بود. در مورد روایی وابسته به ملاک از فهرست مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته‌ی اختلال عاطفی و اسکیزوفرنیای کیدی برای کودکان سن مدرسه استفاده شد که تمام ضرایب همبستگی در سطح $P < 0.05$ معنادار بود. در مورد روایی سازه نیز ابتدا همبستگی درونی مقیاس‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و براساس کل

¹ -Slobodskaya

² -Breuk

³ -Clauser

⁴ -Stams

⁵ -Slot

⁶ -Doreleijers

نمونه هنجاریابی مورد بررسی قرار گرفت که تمام ضرایب حاصله در سطح $P < 0/05$ از لحاظ آماری معنادار بودند و سپس تمایز بین گروه بالینی با گروه نابهنجار به وسیله‌ی آزمون T برای گروههای مستقل مورد ارزیابی قرار گرفته است که نشان می‌دهد این نظام سنجشی از قدرت تمایزگذاری مناسبی بین گروه بهنجار و بالینی برخوردار است. نقاط برش برای مشکلات درونی‌سازی‌شده، برونی‌سازی‌شده و مشکلات کلی با آنچه توسط آخنباخ و همکارانش محاسبه شده بود کاملاً برابر بود (همان منبع).

در پژوهشی که در سال ۱۳۹۰ جهت هنجاریابی فرم CBCL روی ۱۸۸۰ نفر دانش آموز دختر و پسر ۷ تا ۱۱ ساله اصفهانی انجام شد، میزان آلفای کرونباخ در مورد فرم پدر/مادر ۰/۹۰٪ گزارش شد. بر اساس نتایج نقطه‌های برش به دست آمده نشانگر اعتبار سازه و پایایی مناسب این ابزار برای ارزیابی مهارت‌ها و مشکلات رفتاری کودکان است. پایایی آزمون باز آزمون بین مصاحبه‌گران نمرات فرم CBCL بین ۰/۹۳٪ تا ۱ به دست آمده و ثبات درونی مقیاس مبتنی بر فهرست رفتاری کودکان آخنباخ برابر با آلفای ۰/۵۵٪ تا ۰/۷۵٪ می‌باشد؛ همچنین نمرات فهرست رفتاری بین ۱۲ تا ۲۴ ماه ثبات داشتند (یزدخواستی و عریضی، ۱۳۹۰).

یافته ها

آزمون مفروض‌های پژوهش

برای آزمون تمام مفروض‌های پژوهش از روش رگرسیون چندمتغیره استفاده شد که نتایج آنها در جدول ۱ و ۲ گزارش شده است. **مفروض ۱. سبک‌های فرزندپروری، اختلالات رفتاری کودکان LD را پیش‌بینی می‌کند.** با توجه به اینکه تنها بین سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه با مولفه‌ی مشکلات رفتاری برون‌سازی‌شده‌ی کودکان LD همبستگی معناداری مشاهده شد در تحلیل رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت.

در مدل رگرسیونی مشکلات رفتاری برون‌سازی‌شده‌ی کودکان LD به عنوان متغیر ملاک وارد تحلیل شد. با توجه به اینکه نتایج بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با متغیر ملاک همبستگی معناداری نشان داد در تحلیل رگرسیون به عنوان متغیر پیش‌بین وارد شد. مدل به

دست آمده معتبر بوده ($F=۴,۶۵۳$, $sig=۰,۰۳۳$)، و این مدل ۲,۸ درصد از واریانس مشکلات رفتاری برون‌سازی شده کودکان LD را پیش‌بینی نمود. عامل سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پیش‌بینی‌کننده‌ی معناداری برای مشکلات رفتاری برون‌سازی شده کودکان LD بود (جدول ۱)

جدول ۱. تحلیل رگرسیون چندگانه

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	مجذور مجذور تعدیل شده R	B	خطای استاندارد	بتا	t	Sig
مشکلات برون‌سازی شده کودکان LD	سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۰,۰۳۵	-۰,۲۹۶	۰,۱۳۷	-۰,۱۸۷	-۲,۱۵۷	۰,۰۳۳

مفروض ۲. ویژگی‌های شخصیتی، اختلالات رفتاری کودکان LD را پیش‌بینی می‌کند. در مدل رگرسیونی که مولفه اختلالات رفتاری به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد، با توجه به اینکه بین عامل تجربه‌گرایی با این مولفه از اختلال رفتاری کودکان LD همبستگی معناداری یافت نشد در تحلیل رگرسیون وارد نشد و عامل‌های وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی، توافق‌پذیری و نوروگرایی به عنوان متغیر پیش‌بین وارد تحلیل رگرسیون گردید. مدل به دست آمده معتبر بوده ($F=۶,۹۵۰$, $sig=۰,۰۰۰$)، و این مدل ۱۵,۶ درصد از واریانس اختلال رفتاری کودکان LD را پیش‌بینی نمود و تنها عامل نوروگرایی پیش‌بینی‌کننده‌ی معنی‌داری برای اختلال رفتاری کودکان LD بود (جدول ۲).

در مدل رگرسیونی که مولفه مشکلات رفتاری درون‌سازی شده به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد، با توجه به اینکه بین عامل تجربه‌گرایی با این مولفه از اختلال رفتاری کودکان LD همبستگی معناداری یافت نشد در تحلیل رگرسیون وارد نشد و عامل‌های وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی، توافق‌پذیری و نوروگرایی به عنوان متغیر پیش‌بین وارد تحلیل رگرسیون گردیدند. مدل به دست آمده معتبر بوده ($F=۶,۲۹۶$, $sig=۰,۰۰۰$)، و این مدل ۱۴,۱ درصد از واریانس مولفه مشکلات درون‌سازی شده‌ی اختلال رفتاری کودکان LD را پیش‌بینی نمود و

تنها عامل نوروزگرایی پیش‌بینی‌کننده‌ی معنی‌داری برای مشکلات رفتاری درون‌سازی‌شده کودکان LD بود (جدول ۲).

در مدل رگرسیونی که مولفه مشکلات رفتاری برون‌سازی‌شده به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد، با توجه به اینکه بین عامل تجربه‌گرایی با این مولفه از اختلال رفتاری کودکان LD همبستگی معناداری یافت نشد در تحلیل رگرسیون وارد نشد و عامل‌های وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی، توافق‌پذیری و نوروزگرایی به عنوان متغیر پیش‌بین وارد تحلیل رگرسیون گردیدند. مدل به دست آمده معتبر بوده ($F=3,966$, $Sig=0,005$)، و این مدل ۸,۴ درصد از واریانس مولفه مشکلات برون‌سازی‌شده اختلال رفتاری کودکان LD را پیش‌بینی نمود و تنها عامل نوروزگرایی پیش‌بینی‌کننده‌ی معنی‌داری برای مشکلات رفتاری برون‌سازی‌شده کودکان LD بود (جدول ۲).

جدول ۲. تحلیل رگرسیون چندگانه

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	مجذور R	مجذور تعدیل شده R	B	خطای استاندارد	بتا	t	Sig
مشکلات کلی	نوروزگرایی	۰,۱۸۲	۰,۱۵۶	۱,۲۰۳	۰,۳۸۲	۰,۲۹۸	۳,۱۵۱	۰,۰۰۲
برون‌گرایی	توافق‌پذیری			-۰,۴۲۹	۰,۴۰۷	-۰,۱۰۲	-۱,۰۵۴	۰,۲۹۴
وظیفه‌شناسی	توافق‌پذیری			-۰,۳۴۷	۰,۴۴۹	-۰,۰۷۷	-۰,۷۷۲	۰,۴۴۲
	وظیفه‌شناسی			-۰,۲۱۶	۰,۳۴۲	-۰,۰۶۲	-۰,۰۶۲	۰,۵۲۸
مشکلات درون‌سازی‌شده	نوروزگرایی	۰,۱۶۸	۰,۱۴۱	۰,۸۴۳	۰,۲۸۱	۰,۲۸۶	۳,۰۰۱	۰,۰۰۳
	برون‌گرایی			-۰,۲۵۶	۰,۲۹۹	-۰,۰۸۳	-۰,۸۵۶	۰,۳۹۴

توافق- پذیری	۰,۲۴۲	۰,۳۳۱	۰,۰۷۳	۰,۷۳۱	۰,۴۶۶
وظیفه شناسی	۰,۱۹۲	۰,۲۵۲	۰,۰۷۶	۰,۷۶۳	۰,۴۴۷
مشکلات برون‌سازی- شده	۰,۰۸۴	۰,۳۵۲	۰,۱۴۸	۰,۲۳۴	۲,۳۷۳
برونگرایی	۰,۲۰۰	۰,۱۵۸	۰,۱۲۸	۱,۲۶۹	۰,۲۰۷
توافق- پذیری	۰,۰۸۶	۰,۱۷۵	۰,۰۵۱	۰,۴۹۳	۰,۶۲۳
وظیفه شناسی	۰,۰۰۰	۰,۱۳۳	۰,۰۰۰	۰,۰۰۳	۰,۹۹۸

فرضیه. سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین با اختلالات رفتاری در کودکان LD همبستگی مثبت دارد.

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. همبستگی پیرسون بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و اختلال رفتاری کودکان LD

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مشکلات کلی	۱۳۰	۰,۰۷۸	۰,۱۸۹
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مشکلات درون‌سازی شده	۱۳۰	۰,۰۱۳	۰,۴۴۱
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مشکلات برون‌سازی شده	۱۳۰	۰,۱۸۷	۰,۰۱۶

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بین مولفه سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین با مولفه‌های مشکلات کلی و مشکلات درون‌سازی شده‌ی اختلال رفتاری کودکان LD همبستگی معناداری یافت نشد و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه تنها با مشکلات برون‌سازی شده همبستگی منفی با ضریب ۰,۱۸۷ دارد که در سطح ۰,۰۵ معنادار است.

بحث

سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین با اختلالات رفتاری در کودکان LD همبستگی مثبت دارد. نتایج به دست آمده نشان داد سبک سهل‌گیرانه با هیچ یک از مولفه‌های مشکلات کلی و مشکلات درون‌سازی‌شده‌ی اختلال رفتاری کودکان LD همبستگی معناداری ندارد و تنها با مشکلات برون‌سازی شده همبستگی منفی و معنادار دارد. این بدان معناست که هر چه والدین در تربیت فرزندان از سبک سهل‌گیرانه‌تر استفاده کنند احتمال بروز اختلالات رفتاری برون‌سازی شده مانند پرخاشگری، رفتارهای ضداجتماعی و ... کاهش می‌یابد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد که عامل سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پیش‌بینی‌کننده‌ی معناداری برای مشکلات برون‌سازی‌شده کودکان LD است.

این نتیجه با پیشینه پژوهش همسو نیست. زیرا شیخی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند سبک سهل‌گیرانه با هیچ‌کدام از مقیاس‌های مشکلات رفتار برونی‌سازی رابطه معنادار آماری ندارد، ولی ارتباط آن با مشکلات درون‌سازی‌شده معنادار و مثبت است و همتی-علمدارلو و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود دریافتند سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار مشکلات رفتاری درون‌سازی و برون‌سازی‌شده کودکان است. رنگین و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود نشان دادند سبک سهل‌گیرانه با مشکلات درون‌سازی‌شده کودکان ارتباط معنادار و مثبت دارد و والدین کودکان با مشکلات درون‌سازی‌شده نمره بالاتری در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه به دست آوردند. و در نهایت نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های رحمانی و محب (۱۳۹۰)، بیرامی (۱۳۸۸)، زهراکار (۱۳۸۷)، اوندرو و گلای (۲۰۰۹) نیز همخوان نیست. در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه کمترین میزان ساختار وجود دارد. والدین سهل‌گیر، مهرورز، پذیرا و کم توقع هستند، کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند و به آن‌ها اجازه تصمیم‌گیری در هر سنی که باشند را می‌دهند، حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند (دیاز، ۲۰۰۵). این سبک، با کمبود مهار والدینی و اعمال قدرت

والدین روی رفتار کودک و گرایش به تن دادن به خواست‌های کودک مشخص می‌شود (رینالدی و هاو، ۲۰۱۲). بنابراین انتظار می‌رود این سبک فرزندپروری با مشکلات رفتاری کودک و پیامدهای منفی ارتباط داشته باشد (رینالدی و هاو، ۲۰۱۲؛ همتی علمدارلو و همکاران، ۱۳۹۳ و استینبرگ و همکاران، ۲۰۰۲). نتیجه پژوهش حاضر با تمام تبیین‌های مطرح شده در تضاد است و علت این را می‌توان به تفاوت‌های فرهنگی و تاثیرات مختلف محیط بیرون از جمله مدرسه، معلم و گروه دوستان نسبت داد که توانسته است تاثیرات سبک فرزندپروری را به حداقل برساند. از دلایل دیگر این یافته می‌توان به وراثت و سرشت کودک که عوامل مهمی در شکل‌گیری شخصیت و بروز اختلالات رفتاری کودکان هستند اشاره کرد.

منابع

- آتش‌روز، بهروز. (۱۳۸۶). پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از طریق دلبستگی و صفات پنج‌گانه شخصیتی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- آخیناخ، توماس. (۱۳۸۴). کتابچه راهنمای فرم‌های سن مدرسه نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخیناخ (ASEBA)، انطباق و هنجاریابی اصغر مینایی. تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی.
- اسلامیه، محمد مهدی. (۱۳۸۷). بررسی میزان شیوع اختلالات رفتاری دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر تهران، فصلنامه تعلیم و تربیت استثنایی، ۸(۱): ۹۸-۱۰۹.
- اصغری نکاح، سیدمحسن. (۱۳۹۱). چرایی و چگونگی پیشگیری از اختلالات ویژه یادگیری به مثابه معلولیتی پنهان (با تمرکز بر اختلال ویژه خواندن). مجموعه مقالات دومین همایش پیشگیری از معلولیت‌ها. سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور، چاپ نخست، تابستان.
- انیسی، جعفر؛ مجدیان، محمد؛ جوشن‌لو، محسن و گوهری کامل، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه پرسشنامه ۵ عاملی نئو در دانشجویان، مجله علوم رفتاری، ۵(۴): ۳۵۱-۳۵۵.
- بهراد، بهنام. (۱۳۸۴). فراتحلیل شیوع ناتوانی‌های یادگیری در دانش‌آموزان ابتدایی ایران. پژوهش در حیطه‌ی کودکان استثنایی. ۵(۴)، (پیاپی ۱۸): ۴۱۷-۴۳۷.
- بیرامی، منصور و علانی، پروانه. (۱۳۹۲). قلدری در مدارس راهنمایی دخترانه: نقش شیوه‌های فرزندپروری و ادراک از محیط خانواده، مجله روان‌شناسی، پاییز، ۲(۳): ۳۸-۵۶.
- رحمانی، پریسا و محب، نجمه. (۱۳۹۰). بررسی شیوه‌های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده کودکان مبتلا به اضطراب فراگیر و کودکان فاقد اضطراب. علوم تربیتی، ۴(۱۳): ۷۸-۷۷.
- زهراکار، کیانوش. (۱۳۸۷). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و سلامت روانی نوجوانان شهر اسلام شهر. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، بهار، ۳(۱۰): ۷۷-۹۱.

- شیخی، علی؛ شفیعی‌پور، سید زهرا؛ میرزایی، مهشید و کاظم‌نژاد لیلی، احسان. (۱۳۹۴). سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان. مجله پرستاری و مامایی جامع‌نگر. ۲۵(۶۷): ۴۹-۵۶.
- کراسکیان، آدیس. (۱۳۹۲). پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری با مریند. مجله مشاوره مدرسه، بهار، ۳(۸): ۴۰-۴۱.
- گرم، جین چنگ. (۲۰۰۱). اختلال‌های هیجانی و ناتوانی‌های یادگیری. مترجمان: فرشته باعزت و مریم راحت. (۱۳۸۶). تهران: انتشارات پیام مولف، چاپ اول.
- گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت). تبریز: نشر جامعه پژوه.
- هالاها، دانیل. پی؛ لوید، جان؛ کافمن، جیمز؛ ویس، مارگارت و ماتینز، الیزابت. (۲۰۰۵). اختلال‌های یادگیری (مبانی، ویژگی‌ها و تدریس موثر)، مترجمان: حمید علیزاده، قربان همتی علمدارلو، صدیقه رضایی دهنوی و ستاره شجاعی، (۱۳۹۱). تهران: نشر ارسباران، چاپ سوم.
- همتی علمدارلو، قربان؛ حسین خانزاده، عباسعلی؛ ارجمندی، محمد صادق؛ تیموری آسفیچی، محمد مهدی و طاهر، محبویه. (۱۳۹۳). نقش سبک‌های فرزندپروری مادران در پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی با کم‌توانی ذهنی. فصلنامه تعلیم و تربیت استثنایی، ۱۴(۳) (پیاپی ۱۲۵): ۱۶-۷.

- American Psychiatric Association: *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 5th Edition*. (2013). Washington DC, American Association.
- Diaz Y. (2005). *Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children [dissertation]*. Maryland: Univ Maryland.
- Dowker, A. (2005). *Early identification and intervention for students With mathematics Difficulties*. Journal of Learning Disorders, 38:328-331.
- Jakobsen, I. S., Horood, J., & Fergusson, D. M. (2012). *Childhood anxiety/withdrawal, adolescent parentchild attachment and later risk of depression and anxiety disorder*. Journal of Child & Family Studies, 21(2): 303-310.
- Karande, S. (2005). *Specific Learning Disability: The invisible handicap*. Indian Pediatrics, 42: 315-319.
- Miller-lewis, L. R., Baghurst, P.A., Sawyer, M. G., Prior, M. R., Clark, J. J., Arney, F. M., & Carbone, J. A. (2006). Early childhood externalizing behavior problems: child, parenting, and family-related predictors over time. Journal of abnormal child psychology, 34: 891-906.
- Onder, A. & Gulay, H. (2009). *Reliability and validity of parenting style & dimensions questionnaire*. Journal of Procedia Social and Behavioral Science, 1: 508-514.
- Pandina, G. J., Bilder, R. H., Harvey, P. D., Keefe, S. E., Aman, M. G., & Gharabawi, G. (2007). *Risperidone and cognitive function in children with disruptive behavior disorder*
- Rinaldi, C. M, Howe, N. (2012). *Mother and father parenting styles and associations with toddler externalizing, internalizing, and adaptive behaviors*. Early Childhood Research Quarterly, Vol. 27 (2): 266-273.
- Sharma, G. (2004). *A comparative study of the personality characteristics of primary school: Students with learning disorders and their non-learning disabled peers*. Learning Disability Quarterly, 27: 127-140.
- Steinberg L, Lamborn SD, Darling N, Mounts NS, Mornbusch S. (2002). *Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families*. Child Development. 65:754-77.